



DOI: 10.22034/mral.2023.1973542.1406

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴

حقوق شهود در تحقیقات اداری؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

سید لقمان حسینی^۱

شهرام زر نشان^۲

محمد هادی سلیمانیان^۳

چکیده

تحقیقات و بازرسی‌های اداری از جمله سازوکارهایی است که مقامات اداری بعد از وقوع تخلفات انجام می‌دهند و یکی از راه‌های جمع‌آوری اطلاعات، کسب اطلاع از شهود و مطلعین است، اما ممکن است آنان به آسانی، مایل به ارائه اطلاعات نباشند یا با خطرهایی مواجه شوند. از این رو، پیش‌بینی برخی حقوق و تضمین‌ها برای آنان، ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به نبود مقررات حمایتی نسبت به شهود و مطلعین برای مشارکت در تحقیقات و بازرسی‌های اداری، در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) و اسناد بین‌المللی، مقرراتی درباره حمایت از شهود و مطلعین برای مشارکت در تحقیقات پیش‌بینی شده است. از سوی دیگر، در مقررات مرتبط با مراجع شبه‌قضایی کیفری نیز به صورت پراکنده به حقوق شهود توجه شده است. اما با وجود اهمیت فراوان تأمین حقوق شهود در فرآیند تحقیقات اداری، تاکنون در کارهای پژوهشی به این موضوع توجه کافی نشده است. بر این اساس در مقاله حاضر با روشی تحلیلی و توصیفی و با رویکردی تطبیقی برآنیم تا ضمن شناسایی برخی از مهم‌ترین مصادیق این حقوق، چارچوبی حقوقی فراهم آید تا این حقوق برای شهود، مطلعین و دیگر شهروندان در فرآیند دادرسی اداری در دادگاه‌های اختصاصی شبه‌کیفری نیز قابل اعمال باشند. این امر با توجه به نبود قانون آیین دادرسی اداری واحد قابل توجه است. در پایان، با توجه به خلأ قانونی درباره حقوق شهود و مطلعین در فرآیند تحقیقات اداری پیشنهاد کردیم قانون‌گذار، مراجع مقررات‌گذار و همچنین قضات اداری به این مهم توجه کنند تا چارچوب قانونی و رویه قضایی مناسبی در این زمینه فراهم شود.

واژگان کلیدی: تحقیق اداری، بازرسی اداری، حقوق شهود، حقوق مطلعین، دادرسی اداری، اسناد

بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران. shhosseini1@gmail.com

۲. دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). zarneshan@atu.ac.ir

۳. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران. soleimanianmohamadhadi1956@gmail.com

مقدمه

تحقیق اداری^۱، فرآیندی است که مقامات اداری که از نظر قانونی صلاحیت دارند، آن را در موارد خاصی برای کشف حقیقت انجام می‌دهند. تحقیق اداری زمانی صورت می‌گیرد که اداره یا کارکنانش تخلف اداری انجام داده باشند یا در خدمات رسانی عمومی، اختلال و نارسایی رخ داده باشد. نقطه شروع تحقیقات اداری می‌تواند طرح دعوا یا گزارش شهروندان علیه اداره یا یکی از مقامات اداری یا گزارش بازرسان و ناظران اداری باشد. گزارش سازمان‌های مردم‌نهاد یا مقامات آمبودزمان^۲ نیز می‌تواند آغازگر یک تحقیق اداری باشد.

در فرآیند تحقیقات اداری، مقام تحقیق^۳ در جایگاهی همانند مقام تحقیق کیفری با استفاده از سازوکارهای مختلف برای کشف حقیقت اقدام می‌کند. یکی از راه‌های دستیابی به حقایق و جمع‌آوری دلایل، استماع شهادت شهود و کسب اطلاع از مطلعین است. یکی از چالش‌هایی که در فرآیند کسب اطلاع از شهود و مطلعین در تحقیقات اداری ممکن است رخ دهد، بحث حقوق شهود و مطلعین است. فرض کنید اداره یا یکی از کارکنان آن در حضور تعدادی ارباب رجوع، مرتکب تخلف اداری شود. اگر مقامات اداری در فرآیند تحقیقات خود برای کشف حقیقت و جمع‌آوری دلایل، خواهان کسب اطلاع از مطلعین و استماع شهادت شهود باشند، ممکن است شهروندان به دلیل ترس از اداره یا کارکنان آن (که معمولاً در مقابل شهروندان، قدرت بیش‌تری دارند)، حاضر به ادای شهادت یا ارائه اطلاعات نباشند. این ترس هم طبیعی است؛ زیرا هر شهروند عادی به سادگی حاضر نیست خود را به دردسر اندازد و وارد فرآیند تحقیقات علیه یک اداره شود. افزون بر این، حتی اگر شهروندان، حاضر به ادای شهادت و ارائه اطلاعات علیه اداره شوند، چه تضمینی وجود دارد که مقامات اداری با استفاده از نفوذ و لابی خود، آن‌ها را زیر فشار نگذارند یا با استفاده از تهدید و سازوکارهای دیگر، آن‌ها را به بازپس‌گیری شهادت خود، تشویق (یا حتی مجبور) نکنند.

1. Administrative Investigation

2. Ombudsman

3. Investigator

شاهد، یکی از کنشگران اصلی نظام دادرسی کیفری به شمار می‌رود که نقشی برجسته در سرنوشت دعاوی کیفری بر عهده دارد. اهمیت نقش و مشارکت شاهد در فرآیند دادرسی کیفری به حوزه «دلیل» برمی‌گردد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین ادله‌ای که در نظام‌های قضایی از آن، فراوان استفاده می‌شود، تحصیل شهادت شهود است. بنابراین، شهود با مشارکت خود در فرآیند کیفری به مثابه چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری قلمداد می‌شوند.^۱

حقوق عمومی بر حقوق جزا به ویژه مقررات دادرسی کیفری، تأثیر و نفوذی چشم‌گیر دارد و متهم را در برابر مقامات عمومی تعقیب در وضعیتی نابرابری قرار داده است. مقامات تعقیب در امر کیفری در برابر متهم، قدرت بسیار دارند و می‌توانند از قوای عمومی و دیگر تضمین‌های ویژه استفاده کنند.^۲

با وجود اهمیت فراوان تأمین و تضمین حقوق شهود و مطلعین در فرآیند تحقیقات اداری، تا کنون در سطح کارهای پژوهشی به این موضوع توجه نشده است و در قوانین و مقررات اداری کشور نیز مقرر قابل توجهی در این باره یافت نمی‌شود. تنها در چند نمونه به حقوق شهود در فرآیند دادرسی اداری توجه شده است. از آن جمله در آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (۱۳۹۸) بعد از این‌که کسب اطلاع از شهود و مطلعین به عنوان یکی از سازوکارهای جمع‌آوری داده‌ها ذکر شده، در تبصره ماده ۲۲ آن آمده است: «افشای اطلاعات مربوط به مشخصات شهود و مطلعان و محل سکونت یا اشتغال آن‌ها ممنوع است مگر به درخواست مرجع قضایی و اعلام مراتب به آن مرجع». در دستورالعمل قانون رسیدگی به تخلفات اداری، دستورالعمل مربوط به نحوه اجرای قانون گزینش کشور و نیز ماده ۸۲ آیین دادرسی کار هم به بحث حقوق شهود توجه شده است. در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۴)، به عنوان منبع حقوقی اصلی در خصوص تشریفات اداری - قضایی^۳ مقرراتی تقریباً مفصل برای تأمین و تضمین حقوق شهود و مطلعین در فرآیند مشارکت در دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است.

۱. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری (جلد ۲)، تهران: سمت، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳.

۲. خرابی، منوچهر، فرآیند کیفری، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۳۹.

۳. پژوهی، پویا و شمس‌ناتری، محمد، «آثار تأسیس جدید موانع تحقق جرم بر تشریفات اداری - قضایی رسیدگی به جرایم از دیدگاه حقوق اداری»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، شماره ۱۳، ۱۴۰۱، ص ۴۲.

دادرسی اداری امروزه در کنار دادرسی کیفری و مدنی، نوع سومی از دادرسی‌ها را تشکیل می‌دهد که سابقه کم‌تری نسبت به دو نوع دیگر دادرسی دارد. ویژگی‌های خاص دعاوی اداری از جمله ضرورت حل و فصل سریع این‌گونه دعاوی، ارزان بودن، تخصصی بودن، غیر تشریفاتی بودن و مواردی از این قبیل باعث شد تا رسیدگی به این نوع دعاوی از صلاحیت مراجع عمومی که به اختلافات بین مردم رسیدگی می‌کنند، خارج شود و در صلاحیت مراجعی خاص قرار گیرد که فقط به دعاوی بین مردم با دولت رسیدگی می‌کنند.^۱

در آرایبی از دیوان عدالت اداری به کسب اظهارات مطلعین توجه شده است. برای مثال، در دادنامه صادره از شعبه ۱۳ بدوی در پرونده کلاسه ۵۲۳/۹۱/۳۲ برای احراز بزه ارتکاب عرضه سوخت خارج از شبکه بر لزوم کسب اظهارات خریداران و مطلعین تأکید شده و دادرس محترم به درستی تصریح کرده است که «صرف حضور شاکی در معیت راننده متخلف، دلیل بر مباشرت و معاونت وی نمی‌باشد. لذا شعبه، شکایت شاکی را وارد تشخیص داده و دادنامه معترض‌ عنه را نقض نموده است تا شعبه تعزیرات با تحقیق و بررسی بیش‌تر و کسب اظهارات مطلعین در مورد موضوع، تصمیم شایسته اخذ کند».^۲

اهمیت و ضرورت این پژوهش می‌تواند بررسی و ارائه راهکار در مواردی باشد که میان حقوق متهم و بزه‌دیده و شهود در مرحله عمل، تعارض‌هایی آشکار می‌شود که تحقق اصول دادرسی منصفانه را با چالش جدی مواجه می‌سازد. حقوق دفاعی متهم در اسناد بین‌المللی منطقه‌ای و مقررات داخلی کشورها به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از یک دادرسی منصفانه محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را محدود کرد؛ چون این حق، میراثی است که جامعه بشری پس از تلاش بی‌وقفه در پس قرن‌ها به دست آورده است. اجرای برخی تدبیرها مانند مخفی ماندن هویت شهود و حمایت از بزه‌دیده، بیش از پیش در تعارض جدی با شماری از حقوق متهم از جمله حق پرسش از شهود یا اصل تساوی سلاح‌ها در رسیدگی قرار می‌گیرد. بنابراین، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش

۱. خسروی، احمد و ولی رستمی، «الگوی مناسب برای تدوین قانون آیین دادرسی اداری در ایران و ضرورت آن؛ نظام فرانسوی یا انگلیسی؟»، مجله پژوهش حقوق تطبیقی، دوره هفدهم، شماره ۲، ۱۳۹۲، ص ۹۶.

۲. محسن‌زاده، آریتا، ویژگی‌های رژیم حقوقی حاکم بر ادله اثبات دعوا در دعاوی اداری، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۷.

است که حقوق شهود در فرآیند دادرسی اداری با توجه به حقوق مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری و نیز اساس نامه دیوان بین‌المللی کیفری بر چه مبنایی استوار است؟

گفتار اول: مبانی نظری

قبل از هر چیزی بایسته است تا تعریفی درست از تحقیق اداری به عنوان یکی از کلیدواژه‌های اصلی پژوهش ارائه شود و هم‌چنین آن را از دیگر اصطلاحات رایج مشابه تمایز دهیم.

بند اول: مفهوم‌شناسی تحقیق اداری

تحقیقات اداری معمولاً به دلیل سوء مدیریت^۱ و نارسایی‌های ناشی از روابط بین کارکنان اداری صورت می‌گیرد و ماهیت غیرکیفری دارد.^۲ با وجود این به نظر می‌رسد دایره کاربرد تحقیقات اداری، گسترده‌تر از تخلفات اداری کارمندان و روابط سازمانی کارکنان اداری باشد. از تحقیقات اداری می‌توان در صورت بروز هر نوع سوء مدیریت در حوزه عمومی و نارسایی در خدمات‌رسانی عمومی نیز بهره‌گرفت. تحقیق اداری تاکنون در هیچ مقرره قانونی تعریف نشده است. در مجموع، می‌توان گفت تحقیق اداری، فرآیندی است که مقامات اداری که از نظر قانونی صلاحیت دارند، آن را در موارد خاصی برای کشف حقیقت انجام می‌دهند.^۳ تحقیق اداری زمانی صورت می‌گیرد که اداره یا کارکنانش تخلف اداری انجام داده یا در خدمات‌رسانی عمومی، اختلال و نارسایی رخ داده باشد. نقطه شروع تحقیقات اداری می‌تواند طرح دعوا یا گزارش شهروندان علیه اداره یا یکی از مقامات اداری یا گزارش بازرسان و ناظران اداری باشد. گزارش سازمان‌های مردم‌نهاد یا مقامات آمبودزمان نیز می‌تواند آغازگر یک تحقیق اداری باشد.

بند دوم: وجوه تمایز تحقیق اداری از تحقیق عمومی و تحقیق کیفری

با وجود داشتن برخی زمینه‌های مشترک، تحقیق اداری با تحقیق عمومی یا آیین استماع^۴ و هم‌چنین

1. Mismanagement

2. University, N. S. (2020). Administrative Investigations. North Carolina: NC State University, p. 20

3. Australia, O. W., Guidelines conducting administrative investigations, Sydney: Ombudsman Western Australia, 2009, p. 23

4. Public Hearing

با تحقیق کیفی^۱ متفاوت است. تحقیق عمومی یا آیین استماع، یکی از سنت‌های اداری کشورهای انگلوساکسون است به این معنی که مقامات اداری پیش از تصمیم‌گیری درباره امری، جلسه تحقیق تشکیل می‌دهند تا از افکار و پیشنهادهای مردم به ویژه اشخاص ذی‌نفع استفاده شود و تصمیم‌گیری با نیازها و مطالبات عمومی سازگاری داشته باشد.^۲ این در حالی است که تحقیق اداری همان طور که پیش از این تعریف شد، فرآیندی است که مقامات اداری صلاحیت‌دار برای کشف حقیقت در زمان رخ دادن تخلف اداری اداره یا کارکنانش یا رخ دادن اختلال و نارسایی در خدمات‌رسانی عمومی انجام می‌دهند.

بنابراین، برخلاف آیین تحقیق یا استماع عمومی که جنبه پیشینی دارد، تحقیق اداری، جنبه پسینی دارد. آیین تحقیق عمومی قبل از تصمیم‌گیری اداری به کار می‌رود، اما تحقیق اداری معمولاً پس از بروز یک سوء رفتار اداری^۳ یا نارسایی در ارائه خدمات عمومی یا مدیریت عمومی. با وجود این، برخی صاحب‌نظران، همه تحقیقات پیشینی و پسینی را یکسان فرض کرده‌اند^۴ که به نظر می‌رسد چنین نباشد. از سوی دیگر، هدف این دو نوع تحقیق نیز متفاوت است. هدف آیین تحقیق عمومی، مشارکت دادن شهروندان از جمله اشخاص ذی‌نفع در فرآیند تصمیم‌گیری اداری بوده و بر اصل اطلاع‌همگانی استوار است، در حالی که هدف از تحقیقات اداری، کشف سوء رفتارها و نارسایی‌های اداری است. به عبارت دیگر، هدف تحقیق اداری، جمع‌آوری ادله و مدارک برای تصمیم‌گیری با هدف انتظام‌بخشی به امور اداری است.^۵

بند سوم: دادرسی اداری

در نظام حقوقی فرانسه که دوگانگی نظام قضایی پذیرفته شده و ساختار دادگاه‌ها به دو دسته دادگاه‌های عمومی زیرمجموعه قوه قضاییه و دادگاه‌های اداری زیرمجموعه قوه مجریه تقسیم می‌شود، حل و فصل اختلافات میان دستگاه‌های اداری و شهروندان را دادگاه‌های اداری انجام

1. Criminal Inquiry

۲. عباسی، بیژن، *حقوق اداری تطبیقی*، تهران: دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۶۳.

3. Administrative misconducting

۴. هداوند، مهدی، *حقوق اداری تطبیقی (جلد ۱)*، تهران: سمت، ۱۳۹۶، ص ۱۲۴.

5. Security, U. D., Civilian Human Resources, Washington: United States Coast Guard, 2020, p. 72

می‌دهند. در این حالت، تبیین مفهوم دادرسی اداری به راحتی صورت می‌گیرد و منظور از آن، آیین رسیدگی در دادگاه‌های اداری زیر مجموعه قوه مجریه است.^۱

در تعاریف ارائه شده، یک گروه، دادرسی اداری را همان دادرسی دیوان عدالت اداری می‌دانند و دیگری آن را ناظر به هر دعوایی علیه تصمیم‌های اداری تلقی کرده‌اند، اعم از این‌که این دعوا در مراجع شبه قضایی یا دیوان عدالت اداری رسیدگی شود. به دیگر سخن، دادرسی اداری، ناظر بر رسیدگی به دعاوی علیه اداره در مراجع شبه قضایی و دیوان عدالت اداری است. بنابراین، اگر دادرسی اداری را صرفاً به مفهوم دادرسی در دیوان عدالت اداری بدانیم، مشخص نیست دادرسی‌های صورت‌گرفته در مراجع شبه قضایی جزو کدام یک از دادرسی‌ها قرار می‌گیرد. اگر دادرسی اداری را به مفهوم دادرسی در دیوان و مراجع شبه قضایی بدانیم، لزوماً بایستی یک قانون آیین دادرسی هم بر آن حاکم باشد که در حال حاضر وجود ندارد.^۲

در اختلافاتی نظیر اختلافات اداری میان دولت و مردم، به علل و معاذیر گوناگون، چاره‌جویی برای رسیدگی مطلوب به آن‌ها در بیش‌تر کشورها به روش‌های متفاوت است. بر اساس تجربه‌های به دست آمده نیز قانون‌گذاران کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که امکان نادیده انگاشتن دادگاه‌های اختصاصی اداری وجود ندارد. در نظام حقوقی ایران، دادگاه‌های اختصاصی اداری با وضع قوانین متعدد عادی مربوط به پیش یا پس از تصویب قانون اساسی، جدای از قوه قضاییه وجود دارد.^۳

آیین دادرسی اداری در نظام جمهوری اسلامی ایران، مانند دیگر نظام‌ها اصولاً در بستر حقوق عمومی شکل گرفته است. در عین حال، ورود مراجع قضایی به دعاوی مطرح علیه دولت و ارتباط دیوان عدالت اداری با دیوان عالی کشور، امر دادرسی اداری و حقوق ناشی از آن در این قبیل موارد، متأثر از حقوق خصوصی و آیین دادرسی عادی است. دادرسی اداری شکل‌گرفته در ایران در درون دستگاه‌های اجرایی متنوع است و هر یک از قواعد خاص خود پیروی می‌کند.^۴

۱. پرو، روزه، **نهادهای قضایی فرانسه**، ترجمه: شهرام ابراهیمی و همکاران، تهران: سلسبیل، ۱۳۸۴، ص ۴۲.

۲. استوارسنگری، کوروش، «**چیستی دادرسی اداری در ایران: دادرسی در اداره یا دادرسی بر اداره**»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۹۹، ص ۱۴۰.

۳. سوادکوهی فر، سام، «**تحلیلی از نظام دادرسی بر محور حقوق شهروندی**»، مجله دادرسی، شماره ۷۲، ۱۳۸۷، ص ۷.

۴. همان، ص ۱۸.

بند چهارم: مراجع شبه قضایی کیفری

دسته‌ای از مراجع اختصاصی اداری همانند دادگاه کیفری، تخلفات اداری، انتظامی و انضباطی و دیگر تخلفات از قبیل تخلفات ساختمانی، گمرکی و تجاری را بررسی و در صورت وقوع تخلف، به کیفر یا تنبیه شخص متخلف به صورت‌های مختلف رأی می‌دهند. بخشی از این مراجع به تخلفات انضباطی، انتظامی و اداری مستخدمین و افراد صنفی در تخطی از انتظامات داخلی دستگاه‌های اجرایی و مجامع صنفی و رعایت نکردن نظم داخلی آن‌ها و تخلفات افراد جامعه که واجد عنوان جرم نیست، بلکه با تخطی از قوانین و مقررات آمره مرتبط با نقش دولت در جامعه مثل قیمت‌گذاری و نظارت بر توزیع کالاها باعث اخلال در نظم انجام برخی وظایف دولت و دستگاه‌های اجرایی می‌شوند، رسیدگی می‌کنند.^۱

تخلفات بنا بر ماهیت، از جرایم جدا و مستقل هستند. بسیاری از فعل و ترک فعل‌های کارمندان در رده‌های گوناگون صنفی، شغلی و رده‌های مختلف اداره‌های دولتی، در قالب کلی و عام جرایم نمی‌گنجد. در نتیجه، در مراجع عام قضایی قابلیت پی‌گیری ندارند. آن‌ها به طور عمده، به موقعیت شغلی و سازمانی اشخاص برمی‌گردند و برخاسته از شغل، رده، مقام و موقعیتی هستند که اشخاص بنا بر جایگاه شغلی و صنفی از آن‌ها برخوردارند.^۲ هیئت‌هایی مانند هیئت عالی انتظامی مالیاتی، هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، شعب بدوی و تجدید نظر سازمان تعزیرات حکومتی، موضوع آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی و کمیته انضباطی دانشجویان (۱۳۶۴) از مصادیق این نوع مراجع اختصاصی هستند.^۳

مراجع شبه قضایی کیفری از آیین دادرسی و تشریفاتی که دادگاه‌های عمومی به موجب قوانین آیین دادرسی در رسیدگی‌ها رعایت می‌کنند، تبعیت نمی‌کنند؛ چون آیین رسیدگی دادگاه‌های عمومی دادگستری، تشریفاتی پیچیده دارند که رعایت برخی از آن‌ها با اصولی هم‌چون اصل سرعت در رسیدگی به دعاوی مغایرت دارد که از ضرورت‌ها و فلسفه‌های تأسیس مراجع شبه قضایی کیفری است. آیین رسیدگی دادگاه‌های عمومی با ساختار این مراجع سازگار نیست و به آیین رسیدگی

۱. رستمی، ولی و دیگران، *دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران*، تهران: گرایش، ۱۳۸۸، ص ۵۸.

۲. امامی، محمد و سید نصرالله موسوی، «مبانی نظری مراجع شبه قضایی و جایگاه آن‌ها در حقوق ایران»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره بیست و یکم، شماره ۲، ۱۳۸۳، ص ۹۷.

۳. نجابت‌خواه، مرتضی و همکاران، «آسیب‌شناسی ساختار و صلاحیت‌های مراجع اختصاصی اداری در حقوق اداری ایران»، *فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۷۷ و ۷۸، ۱۳۹۶، ص ۲۰۵.

خاص نیاز دارند. تدوین قانون آیین دادرسی ویژه رسیدگی‌های مراجع شبه قضایی کیفری، گامی بلند در راستای تحول قضایی، قضازدایی و توسعه کیفی مراجع شبه قضایی محسوب می‌شود که با تدوین این قانون و ایجاد رویه واحد رسیدگی، قطعاً حجم زیادی از پرونده‌های ارجاعی به دیوان عدالت اداری و دادگستری‌ها کاسته خواهد شد و سرعت رسیدگی هم افزایش می‌یابد.^۱

گفتار دوم: تحصیل دلیل در فرآیند دادرسی اداری

پیش از ورود به بحث حقوق شهود در فرآیند تحقیقات اداری، برای تبیین بهتر موضوع باید جایگاه و اهمیت شهود را در این فرآیند به طور مختصر بررسی کنیم. هم‌چنین ضرورت و چرایی شناسایی برخی از حقوق برای شهود و مطلعین در فرآیند تحقیقات اداری باید تحلیل شود.

بند اول: نابرابری طرفین دعوا در دادرسی اداری

امروزه حقوق دانان از قواعد و تشریفات مربوط به محدودیت‌های پذیرش ادله در دادرسی به صورت جدی انتقاد می‌کنند. بدیهی است اجرای عدالت و دستیابی به حقیقت بدون اعمال محدودیت‌های یادشده نیز قابل تحقق است، به طوری که بانک‌داران، فیزیک‌دانان، اقتصاددانان، آماردانان، محققان و بازرسان بدون اعمال قواعد و تشریفات مربوط به محدودیت‌های ادله به موفقیت‌های چشم‌گیر دست یافته‌اند.^۲ پیشرفت علوم و منابع اطلاعاتی نیز باعث شده است که حتی در آیین دادرسی مدنی، تحولی چشم‌گیر به سوی آزادی دلیل و تکیه بر اقرار دادرس رخ دهد.^۳ در دادرسی اداری، یکی از اصحاب دعوا، اداره است که به عنوان نماینده نفع عمومی و تحت نظارت مستقیم یا غیر مستقیم دولت، مطابق قانون برای تأمین نفع عمومی و حفظ نظم عمومی اقدام می‌کند و از قدرت عمومی برخوردار است. در بسیاری از دعاوی اداری هم‌چون تأمین اجتماعی، مهاجرت و استخدام، بسیاری از شهروندان، اطلاعات حقوقی دقیق یا توان مالی کافی برای شرکت

۱. فردوست، غلام‌رضا و همکاران، «دادرسی عادلانه در پرتو اصول اخلاقی در مراجع شبه قضایی»، مجله اخلاق زیستی، دوره یازدهم، شماره ۳۶، ۱۴۰۰، ص ۱۵.

۲. زارعی، محمدحسین و آریتا محسن‌زاده، «نظام اثبات دعوا در دادرسی اداری»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۲، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰.

۳. کاتوزیان، ناصر، *اثبات و دلیل اثبات (جلد ۱)*، تهران: میزان، چاپ هشتم، ۱۳۹۲، ص ۲۵.

در دادرسی فنی و رسمی ندارند. در مقابل، اداره از امتیازهای قابل توجهی هم‌چون برخورداری از وکیلان و کارشناسان، دسترسی به اسناد و مدارک متعدد، صدور آیین‌نامه و بخش‌نامه و تحمیل تصمیم‌های آمرانه به اشخاص برخوردار است. دادرسی اداری باید به گونه‌ای پیش‌بینی شود که امکان تظلم‌خواهی شهروندان از اداره فراهم آید و اشخاص بتوانند بدون صرف هزینه‌های گزاف به احقاق حقوق خود بپردازند. از این رو، برای جبران برتری اداره در دادرسی اداری ضرورت دارد نقشی فعال برای دادرسی اداری پیش‌بینی شود تا اجرای عدالت و تظلم‌خواهی از اشخاص در دادرسی منصفانه محقق گردد.^۱

بند دوم: حدود اختیارات دادرسی اداری در امر تحقیق

دادرسی اداری می‌تواند در دو قالب رسیدگی به تخلفات یا رسیدگی به اختلافات انجام شود. در فرضی که دادرسی اداری در قالب رسیدگی به تخلفات (مانند رسیدگی به تخلفات اداری) انجام می‌گیرد، مرجع اداری رسیدگی‌کننده مانند یک مرجع کیفری عمل می‌کند؛ یعنی رسیدگی به تخلفات اداری مانند مراجع کیفری به عضو تحقیق ارجاع می‌گردد تا تمام ادله علیه کارمند متخلف را جمع‌آوری کند. در حالتی که دادرسی اداری، ترافعی است، چون نفع خصوصی مطرح است، وظیفه تحصیل دلیل بر عهده شاکی است که دعاوی مطرح‌شده در مراجع حل اختلاف کارگر و کارفرما از این جمله است.^۲

در دیوان عدالت اداری، بحث مشروعیت تحصیل دلیل در دو دسته از دعاوی مجزا مطرح می‌شود که در صلاحیت دیوان قرار دارد. نخست، دعوایی که برای احقاق حق شاکی خصوصی انجام می‌گیرد که در آن، شاکی علیه اداره دولتی به خواسته مطالبه حق خود، دعوا اقامه می‌کند. در این نوع دعاوی، طبق مواد ۱۷ و ۵۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، وجود ذی‌نفع ضروری است و دلیل را هم او باید ارائه کند. بنابراین، تحصیل دلیل و ارائه دلیل بر عهده شاکی است. در ماده ۴۱ قانون یاد شده، این اختیار به شعبه رسیدگی‌کننده داده شده است که

۱. زارعی و محسن‌زاده، پیشین، ص ۸۴.

۲. قمری، اسماعیل، اکبر روایی و مسعود قاسمی، «تحلیلی بر اعمال قاعده مشروعیت تحصیل دلیل در دادرسی اداری»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال هشتم، شماره ۲۴، ۱۳۹۹، ص ۱۷۵.

«هرگونه تحقیق یا اقدامی را که لازم بداند، انجام دهد.» حال این پرسش مطرح می‌شود که انجام تحقیقات از سوی قاضی دیوان بر خلاف اصل بی‌طرفی نیست؟

در پاسخ می‌توان استدلال کرد در دعوایی که در دیوان عدالت اداری مطرح می‌گردد و نفع خصوصی مطرح است، مانند شکایت شخص خصوصی از یک اداره دولتی که از تصمیم آن، خسارت دیده است، قاضی اصولاً باید بی‌طرف باشد و تحصیل و ارائه دلیل، وظیفه شاکی است، اما در آن دسته از دعاوی که منفعت عمومی در آن غلبه دارد، باید قائل به تحصیل دلیل توسط دادرس شد. به هر حال، نمی‌توان کتمان کرد که دعاوی مطرح در دیوان با دعاوی مدنی و کیفری شباهت‌هایی دارند، ولی ویژگی مشترک تمام آن‌ها، همان نابرابری مردم و اداره است. بنابراین، دادرس باید نقش فعال داشته باشد.^۱

در نظام حقوقی ایران، در قوانین و مقررات مختلف، وظایف متعددی برای دادستان پیش‌بینی شده است. ملاحظاتی مانند «احیای حقوق عامه» و «نظارت در اجرای قوانین»، وجود چنین نهادی را در دعوای اداری به خصوص با توجه به نابرابری ذاتی میان دو طرف دعوا. فرد در برابر دولت. ضروری می‌سازد. نقش‌آفرینی این نهاد در مواردی چون رسیدگی به تصمیم‌های موردی دولت که ذی‌نفع خاص ندارد، رصد مصوبات دولتی و کنترل فعال آن‌ها، جرایم کشف‌شده هنگام دادرسی، کمک به قاضی برای انجام تحقیقات و تکمیل پرونده‌ها و پی‌گیری اجرای مطلوب احکام صادرشده بسیار بااهمیت است و در حال حاضر، خلأ این نهاد در نظام دادرسی ایران احساس می‌شود.^۲

در قانون دیوان، مقرراتی مستقل و ویژه برای ادله اثبات دعوا در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب پیش‌بینی نشده است و در عمل، دادرسان دیوان عدالت اداری از نظام ادله اثبات دعوا در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی بهره می‌گیرند و با توجه به مقررات پیش‌بینی‌شده در این قانون، آرای خود را صادر می‌کنند. این در حالی است که نظام ادله قانونی شناسایی‌شده در دادرسی مدنی، موانع متعددی را برای احقاق حقوق اشخاص در دادرسی

۱. همان، ص ۱۷۶.

۲. نقش دادستان اداری در نظارت بر اداره، حفظ و احیای حقوق عامه، تدوین و تحقیق: مینا اکبری، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، چاپ دوم، ۱۳۹۹، ص ۱۱۸.

اداری ایجاد می‌کند. به همین دلیل، ضروری است با پیش‌بینی مقررات مناسبی در مورد ادله اثبات دعوا، خلأ موجود در این زمینه برطرف شود. پیش‌بینی نظام آزاد ادله اثبات و پذیرش ادله منطقی و عقلایی در اقامه دادرسی اداری به طور منصفانه نقش مؤثر خواهد داشت.^۱

گفتار سوم: حقوق شهود در تحقیقات اداری

در این گفتار با رویکردی تطبیقی ضمن شناسایی برخی از مهم‌ترین مصادیق این حق‌ها به دنبال ارائه چارچوبی حقوقی هستیم که این حقوق و تضمین‌ها برای شهود و مطلعین در فرآیند تحقیقات اداری نیز قابل اعمال باشند.

بند اول: حق مواجهه نداشتن حضوری شاهد و طرف شکایت

یکی از تدبیرهای حمایتی که در راستای تأمین امنیت روانی و فیزیکی شهود و مطلعان در فرآیند تحقیقات کیفری شناسایی شده، حق مواجهه نداشتن حضوری شاهد و متهم است.^۲ بیش‌تر قوانین آیین دادرسی کیفری تصریح می‌کنند که از شهود و مطلعان باید به صورت انفرادی تحقیق کرد. نویسندگان فرانسوی معتقدند که استماع اظهارات این اشخاص به طور انفرادی، منطقی است و باید رعایت شود. در نظام حقوقی ایران لازم است که استماع شهادت شهود به طور مجزا و منفرد صورت گیرد، اما پلیس همیشه این دستور قانون‌گذار را رعایت نمی‌کند و به شرح مواد ۱۲۳ تا ۱۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری، رعایت نشدن دستور قانون‌گذار، مورد ایراد مراجع قضایی اعم از دادسراها و دادگاه‌ها نیست. البته وجود این دوگانگی در سیاست و اجرا، نشانه نقص سیستم است.^۳ طبق تبصره ۳ آیین‌نامه اجرایی شهود و مطلعان (۱۳۹۴)، مواجهه حضوری اعم است از مواجهه حضوری به صورت حضور فیزیکی شاهد یا مطلع یا از طریق وسایل ارتباط از راه دور. در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نیز حق مواجهه نداشتن حضوری شهود و متهم در هر دو مرجع دادسرا و دادگاه به رسمیت شناخته و تدبیرهایی در راستای تضمین این حق اندیشیده شده است. در ماده ۲۰۷

۱. زارعی و محسن‌زاده، پیشین، ص ۷۹.

2. Hannibal, M., & Mountford, L., **Criminal litigation Handbook**, London: Oxford University Press, 2011, p. 12

۳. انصاری، ولی‌الله، **حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)**، تهران: میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۸، ص ۲۲۸.

این قانون به صراحت آمده است: «بازپرس از هر یک از شهود و مطلعان، جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌کند». هم‌چنین در ماده ۳۲۷ همین قانون مقرر شده است: «دادگاه می‌تواند از شهود به طور انفرادی تحقیق نماید و برای عدم ارتباط شهود با یکدیگر و یا با متهم، اقدام لازم را انجام دهد...».

نکته اصلی درباره این ماده، بخش آخر آن است که بر اساس آن، دادگاه مکلف است اقداماتی را برای ارتباط نداشتن متهم با شهود به عمل آورد. بنابراین، قانون‌گذار در این ماده علاوه بر به رسمیت شناختن حق تحقیق به صورت جداگانه و محرمانه، به نوعی حمایت از شهود و مطلعان در برابر تهدیدهای متهم اشاره داشته و درصدد پیش‌گیری از آن بوده است. علاوه بر این، قانون‌گذار در ماده ۲۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری به غیر علنی بودن تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعان در دادسرا اشاره کرده است. هم‌چنین بر اساس ماده ۲۱۴ همین قانون: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند: الف) عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم...».

در راستای تضمین حق مواجهه نداشتن حضوری شاهد و متهم، در قانون آیین دادرسی کیفری، برخی تدبیرهای حمایتی پیش‌بینی شده است. از جمله این تدبیرها می‌توان به حضور بازپرس و مقام تحقیق در محل اقامت شاهد یا مطلع (ماده ۲۱۶) و شهادت از طریق وسایل ارتباط از راه دور (ماده ۲۱۴) اشاره کرد.

در اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری، مقرره خاص و صریحی درباره الزام تحقیق از شهود و مطلعان بدون حضور متهم پیش‌بینی نشده است. با وجود این، از عبارت «تدبیرهای مناسب» که به صورت عام در ابتدای ماده ۶۸ اساس‌نامه بیان شده است، می‌توان لزوم در پیش گرفتن تدبیرهای حمایتی مناسب برای حفظ امنیت و سلامت شهود و مطلعین را برداشت کرد.^۱

اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری به حضور مقام تحقیق در محل اقامت شهود اشاره نکرده، اما درباره استماع شهادت شهود از طریق وسایل ارتباط از راه دور، در بند ۲ ماده ۶۸ اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی چنین آمده است: «دادگاه ممکن است... اجازه دهد که ادای شهادت

۱. پرویزی فرد، آیت‌الله، «حمایت از شهود در قوانین کیفری و اسناد بین‌المللی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۳۲.

از طریق وسایل الکترونیکی یا دیگر وسایل به منظور حمایت از شاهد انجام گیرد»^۱. همچنین در ماده ۸۷.۳ قواعد دادرسی و ادله دیوان نیز بیان شده است: «دادگاه بدوی ممکن است در مورد درخواستی که دریافت می‌دارد، دستور دهد... بایستی تدابیری در پیش گیرد یا خیر... (ج) شهادت توسط وسایل الکترونیکی یا سایر وسایل ادا شود و این تدبیرها شامل استفاده از تکنولوژی صوتی و تصویری مخصوصاً کنفرانس‌های ویدیویی و تلویزیون مداربسته و استفاده انحصاری از رسانه‌های صوتی و استفاده از ابزار و وسایلی است که باعث تغییر چهره می‌شوند...»^۲.

در دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری (بخش نامه شماره ۱۱/۴۷۷۸۴ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۹) و تبصره ۱ ماده ۲۷ بر این حق تصریح شده است. بر این اساس، «هیئت از هر یک از شهود و مطلعین به طور جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌نماید و اظهارات آنان در همان جلسه عیناً در صورت جلسه قید می‌شود».

بند دوم: حق سکوت و ممنوعیت اجبار و اکراه و اغفال در شهادت

یکی دیگر از حقوقی که برای شهود و مطلعین در فرآیند تحقیقات اداری و کیفری می‌توان در نظر گرفت، حق شهود بر سکوت و ممنوعیت اجبار و اکراه و اغفال وی به ادای شهادت است. اصل ۳۸ قانون اساسی، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند را ممنوع کرده است و بیان می‌دارد که چنین شهادت و اقرار و سوگندی ارزش و اعتبار ندارد. در تحقیقات اداری نیز مقام تحقیق در صورت سکوت اختیار کردن شهود و مطلعین مکلف است حق سکوت آن‌ها را محترم بشمارد و حق اجبار به شهادت ندارد. قانون اساسی به طور مطلق حکم داده است که به مراجع قضایی اختصاص ندارد، بلکه هر نوع اجباری به شهادت، ممنوع و مستوجب مجازات است.

دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری این حق را به رسمیت شناخته و در تبصره ۲ ماده ۲۷ چنین بیان داشته است: «هیئت نمی‌تواند به زور، شاهد را وادار به ادای شهادت نماید و چنان چه شاهد یا مطلع از حضور بعد از احضار دوم یا اظهار در صورت حضور امتناع نماید، این مرحله از رسیدگی حذف می‌شود».

1. Williams, Katherine S, "Textbook on Criminology", New York, Oxford University Press, 2004, p.256.

۲. ابراهیم گل، علی‌رضا، «ابعاد شهادت در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی، شماره ۳۷، ۱۳۸۶، ص ۱۹۵.

بند سوم: حق خودداری از امضای برگ تحقیق

یکی دیگر از حقوقی که به نظر می‌رسد باید برای شهود در نظر گرفت، آزاد بودن شهود در امضای برگه تحقیق و شهادت است. در قانون آیین دادرسی کیفری، تنها ماده ۲۱۲ آن به این حق اشاره کرده است: «اظهارات شهود و مطلعان در صورت مجلس قید می‌شود. سپس متن آن قرائت می‌گردد و به امضا یا اثر انگشت شاهد یا مطلع می‌رسد و چنان چه از امضا یا اثر انگشت امتناع یا از ادای شهادت خودداری ورزد یا قادر به انجام آن نباشد، مراتب در صورت مجلس قید می‌شود و تمام صفحات صورت مجلس به امضای بازپرس و منشی می‌رسد.

تبصره: بازپرس مکلف است از شاهد یا مطلع، علت امتناع از امضا یا اثر انگشت یا ادای شهادت را بپرسد و پاسخ را در صورت مجلس قید کند».

بر اساس مفاد این ماده می‌توان اظهار داشت که شاهد و مطلع حق دارد آن چه را شهادت داده است، امضا نکند یا اثر انگشت نزند. بنابراین، بازپرس، حق اجبار او را به امضا کردن یا اثر انگشت زدن ندارد. امتناع از امضای اوراق تحقیق برای شاهد و مطلع پذیرفته شده است، ولی قانون‌گذار در مورد ارزش صورت مجلس شهادت امضانشده صراحتی ندارد و صورت مجلسی که امضا نشده است، اصولاً صورت مجلس نیست. بنابراین، ضرورت داشت که قانون‌گذار، تکلیف را مشخص می‌کرد که اگر اظهارات شاهد و مطلع بدون امضا یا مهر یا اثر انگشت وی باشد، چه ارزشی خواهد داشت.

در خصوص حق خودداری شهود و مطلعین از امضای برگ تحقیق، بررسی اساس نامه و آیین دادرسی و ادله دیوان بین‌المللی کیفری نشان می‌دهد که مطلب صریحی در این زمینه وجود ندارد. البته دیوان هم در مواد ۶۸ و ۶۹ اساس نامه و هم در مواد ۶۸ و ۶۷ قواعد دادرسی و ادله دیوان، تمام تمهیدات لازم را برای ادای شهادت به شیوه‌های مختلف فراهم کرده است تا هویت او کاملاً مخفی بماند و هیچ‌گونه آسیب، خطر یا تهدیدی برایش رخ ندهد. می‌توان گفت با این تضمینات جامع، دلیلی برای خودداری شاهد از امضای برگ تحقیق باقی نمی‌ماند.

هم‌چنین در ماده ۷۴ آیین دادرسی و ادله به ویژه در بند ۵ این ماده، امکان بررسی این را فراهم آورده که شاهد ملزم به پاسخ‌گویی است یا نه. شعبه با بررسی جنبه‌های مختلف می‌تواند تعیین کند آیا شاهد، ملزم به ادای شهادت و پاسخ‌گویی در جریان رسیدگی است یا نه. مطابق این

بند نیز اگر هر گونه نگرانی بابت ادای شهادت از جانب شاهد وجود داشته باشد، شعبه می‌تواند امکان پاسخ نگفتن شاهد را بررسی کند. به طور خلاصه، می‌توان اظهار داشت که نبود مقرره خاصی در اسناد دیوان در ارتباط با حق خودداری از امضای برگ تحقیق توسط شاهد شاید به این مسئله برمی‌گردد که دیوان از قبل، پیش‌بینی رفع تمام موانع ادای یک شهادت ایمن را برای شاهد فراهم کرده است. پس اگر شاهد در چنین شرایطی ادای شهادت کند و شعبه قادر به تشخیص ادله خاص و قابل قبولی از جانب شاهد برای خودداری از امضای برگ تحقیق نباشد، دیگر حق خودداری از امضای این برگ را برای شاهد به رسمیت نمی‌شناسد.^۱

حق شهود مبنی بر خودداری از امضای صورت‌مجلس شهادت یا درج نکردن مشخصات هویتی خود در ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (۱۳۹۸) نیز به رسمیت شناخته شده است. این ماده اشعار می‌دارد: «بازرس با احراز هویت و مشخصات شهود و مطلعان، موضوع شهادت و اطلاع و نیز زمان و مکان استماع آن را در صورت مجلس قید کرده و به امضای آنان می‌رساند. در صورت عدم تمایل ایشان به امضا یا درج هویت در صورت‌مجلس، بازرس، مراتب را گواهی و آن را امضا می‌نماید.»

بند چهارم: حق مخفی ماندن هویت و اسرار شهود

ادای شهادت همان‌طور که یکی از جلوه‌های مشارکت مدنی شهروندان در اجرای عدالت است و وظیفه شرعی و اجتماعی تلقی می‌شود، ممکن است اداکننده یا بستگان وی را آماج انتقام متهم یا هم‌دستانش قرار دهد.^۲ حضور در مراجع قضایی در زمان ادای شهادت، بهترین فرصت برای گروه بزه‌کار است تا با شناسایی شاهد و اطلاع از هویت او، در مقام انتقام‌گیری از وی برآیند یا با آسیب رساندن به او، مانع ارائه اظهارات شوند.^۳

1. Gautay Gupta, N., **Report on Protection of Witnesses**, New Dehli: National Law Institute University, 2001, p. 56

۲. مقدسی، محمدباقر و جواد یزدانی، «حقوق بزه‌دیدگان، شهود و مطلعان بیمار در فرآیند کیفری ایران»، نشریه حقوق پزشکی، دوره یازدهم، شماره ۴۲، ۱۳۹۶، ص ۱۲۰.

۳. امینی، زهرا و غلام‌حسین کوشکی، «بررسی تطبیقی حمایت از شهود در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و منشور شهود انگلستان»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ششم، شماره ۲۱، ۱۳۹۶، ص ۱۲۵.

حتی اگر مقامات قضایی و مسئولان حمایت از شهود، تمام تلاش خود را برای جلوگیری از مواجهه متهم با شاهد به کار گیرند، وقتی از اطلاعات هویتی شهود محافظت نشود، تمام تلاششان برای رویاروی نشدن متهم با شاهد بی‌فایده خواهد بود. بنابراین، یکی از اقدامات لازم برای پنهان‌سازی هویت شهود به منظور تأمین امنیت جسمانی آن‌ها، تلاش برای محفوظ ماندن اطلاعات هویتی شهود از دسترس دیگران در طول رسیدگی است. برای این منظور می‌توان از اقداماتی از قبیل استفاده از اسامی مستعار، تغییر هویت یا درج نشدن مشخصات هویتی در پرونده یا جلوگیری از دسترسی افراد به پرونده استفاده کرد.^۱

در این راستا یکی از مهم‌ترین حقوق مسلم شهود که باید همیشه در نظر قانون‌گذاران باشد، حق مخفی ماندن هویت این افراد در مواقع لزوم است. از این رو، در نظام‌های حقوقی باید همیشه تدبیرها و برنامه‌های حمایت امنیتی مناسب در راستای مخفی نگه داشتن هویت شهود اندیشیده شود. بیش‌تر حقوق‌دانان بین‌المللی نیز بر این اعتقادند که بهترین راه حمایت از شهود، سرّی بودن تحقیقات به ویژه در مرحله مقدماتی و تلاش برای افشا نشدن هویت آن‌هاست.^۲

در ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «هر گاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد و مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند: ... ب) عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع ...». مفهوم این بند آن است که گرفتن شهادت و استفاده از آن بدون ارائه هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد شاهد و به عبارت بهتر، گم‌نام ماندن شاهد امکان‌پذیر است و یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری جدید درباره حقوق شهود محسوب می‌شود. در همین راستا، آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان در ماده ۱۰ مقرر داشته است: «در مواردی که شهادت بدون افشای اطلاعات شاهد یا مطلع صورت می‌گیرد، مقام قضایی مکلف است شرایط

۱. غلام‌پور، مهدی و عباس تدین، «جلب شاهد از منظر حقوق ایران و اسناد بین‌المللی؛ از هست‌ها تا باید‌ها»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، شماره ۸، ۱۳۹۲، ص ۲۵.

۲. حبیب‌زاده، توکل و مجتبی جعفری، «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی؛ از حق حمایت تا حق بیان»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۴، ۱۳۸۵، ص ۶۳.

قانونی لازم برای ادای شهادت را در این مورد نیز احراز نماید». این مورد هم نشانه توجه قانون‌گذار به موضوع شهادت به صورت گم‌نام و لزوم فراهم کردن شرایط برای ادای چنین شهادتی در مواقع اضطرار است.

اجرای تدبیرهای حمایتی از شهود و مطلعان نباید به گونه‌ای باشد که باعث تضییع حقوق دفاعی متهم شود. در این راستا، تبصره ۲ ماده ۲۱۴ بیان می‌دارد: «ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد». از این تبصره استنباط می‌شود که در حالت تعارض بین حقوق شاهد برای فاش نساختن هویت وی و حقوق دفاعی متهم مانند حق متهم بر جرح شهود باید حق متهم را مقدم دانست. به عبارت دیگر، در این شرایط، یا به شهادت شاهد به عنوان دلیل نباید استناد کرد یا در صورت استناد باید به متهم امکان دفاع در برابر اظهارات شاهد داده شود یا بازپرس، حقوق هر دو (شاهد و متهم) را در نظر بگیرد تا دادرسی جنبه غیر عادلانه به خود نگیرد.^۱

یکی دیگر از تدبیرهای تضمین‌کننده حق مخفی ماندن هویت و اسرار شهود در فرآیند مشارکت در تحقیقات کیفری، شهادت با اسم مستعار است. در قانون آیین دادرسی کیفری به شهادت با اسم مستعار توجه نشده است. بر اساس تبصره ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (۱۳۹۸): «افشای اطلاعات مربوط به مشخصات شهود و مطلعان و محل سکونت یا اشتغال آن‌ها ممنوع است، مگر به درخواست مرجع قضایی و اعلام مراتب به آن مرجع». این حق در یک مقررۀ اداری پیش‌بینی شده و از نظر نظام سلسله‌مراتب قواعد^۲ در مرتبه‌ای پایین‌تر از قوانین اساسی و عادی قرار دارد. با این حال، با استناد به قوانین بالادستی از جمله مقررات قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان حق مخفی ماندن اطلاعات هویتی شهود و مطلعان در فرآیند تحقیقات کیفری را شناسایی کرد.

با آن‌که در نظام حقوقی ایران در مراجع کیفری، دلایل از نظر حقوقی ارزیابی می‌شود و مدافعات شاکی، متهم و وکلای طرفین دریافت می‌گردد، اما در مراجع شبه‌کیفری، رویه‌ای متفاوت حاکم

۱. جزایری، عباس و ویلا سلیمانی، «حق سکوت گواه در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه»، دومین همایش ملی علوم انسانی، ۱۳۹۶، ص ۲۶.

است. برای نمونه، قانون‌گزینش، مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۶ در ماده ۱۵ بر صدور رأی بر مبنای تحصیل دلیل صحیح تأکید کرده است: «صدور رأی در گزینش افراد با شرایط عمومی یا انتخاب اصلح تابع نظر اکثریت اعضا بوده و بر مبنای اقرار یا بینه به شرط عدم تعارض یا شیاع مفید اطمینان یا قراین و امارات موجب اطمینان که حداقل با انجام تحقیق از منابع موثق و طبق موازین شرعی احراز می‌گردد. سایر مراحل طبق دستورالعمل هیئت عالی گزینش خواهد بود».

هیئت عالی گزینش، دستورالعمل و ضوابط و معیارهای حاکم بر گزینش را در بخش‌نامه شماره ۱۳۸۷/۵/۲۶ خ م ب مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۶ در سه فصل به هیئت‌های گزینش ابلاغ کرده است. در شقوق ۱۴ و ۲۱ از بند «د» این دستورالعمل، حفظ هویت گواه، الزامی است و رعایت نشدن آن به موجب ماده ۲۱، مصداق نقض آشکار اصل شفافیت‌سازی، اصل تناظر ادله و اصل تساوی سلاح‌ها در دفاع است. چنین نقضی اجازه می‌دهد فردی به عنوان منبع، اما در واقع به عنوان گواه و شاهد بدون دارا بودن شرایط اساسی برای ادای شهادت و بدون تفهیم هویت شاهد و مفاد گواهی، هر مطلب کذب و بدون دلیلی را علیه متهم مطرح کند و متهم هیچ پناه و دفاعی نداشته باشد. این ماده که در راستای حمایت از شهود تصویب گردیده، بدون تعیین حدود و مرز مشخصی به تمام موارد تعمیم داده شده است.

بند پنجم: حق استنکاف از اتیان سوگند

در تدوین و تصویب قوانین، به طور معمول فرض بر آن نهاده شده است که شاهد طوعاً حضور پیدا می‌کند و مآلاً اتیان سوگند و ادای شهادت انجام خواهد شد. پس اگر از حضور نزد مقام تحقیق خودداری ورزد، امکان جلب وی وجود دارد. با این حال، توجه داشت که در ایران بنا بر اصل سی و هشتم قانون اساسی، اگر چه امکان جلب و احضار گواهان از سوی مقام قضایی میسر است، پس از آن و در صورت امتناع شاهد از بیان مطالب، امکان لزوم و الزام او به ادای گواهی وجود نخواهد داشت.^۱

ماده ۳۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد سوگند یاد کردن شاهد قبل از ادای شهادت بیان می‌دارد: «شاهد پیش از ادای شهادت باید به شرح زیر سوگند یاد کند: به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام واقعیت را بیان کنم».

۱. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۹۶.

تبصره: در مواردی که احقاق حق متوقف بر شهادت باشد و شاهد از اتیان سوگند خودداری کند، بدون سوگند، شهادت وی استماع می‌شود و در مورد مطلع، اظهارات وی برای اطلاع بیش تر استماع می‌شود».

مفاد این ماده نشان می‌دهد که شاهد باید پیش از شهادت و با واژگانی مشخص سوگند یاد کند و اشاره‌ای صریح در متن اصلی ماده به حق استنکاف از بیان سوگند توسط شاهد به میان نیامده و به رسمیت شناخته نشده است. به عبارتی، به نوعی ملاک رسمیت یافتن شهادت، اتیان سوگند توسط شاهد در نظر گرفته شده است. تبصره ماده نشان می‌دهد که نمی‌توان شاهد را به سوگند قبل از شهادت مجبور کرد و اگر شاهد از این کار سر باز بزند، شهادت او هم چنان شنیده می‌شود. از این رو، به طور غیر مستقیم می‌توان حق شاهد برای استنکاف از اتیان سوگند را استنباط کرد.

در بند اول ماده ۶۹ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری به صراحت آمده است که «هر شاهد قبل از ادای شهادت باید مطابق آیین دادرسی و ادله در خصوص واقعیت داشتن گواهی خود سوگند یاد کند». هم‌چنین بند یک ماده ۶۶ آیین دادرسی و ادله مقرر می‌دارد هر شاهدی مطابق بند ۱ ماده ۶۹ اساس‌نامه قبل از ادای شهادت تعهد رسمی زیر را به عهده می‌گیرد: «من رسماً اعلام می‌دارم که حقیقت را بگویم، تمام حقیقت و نه چیز دیگر جز حقیقت». مطابق بند ۲ همین ماده به جز افراد زیر ۱۸ سال و افرادی که به نظر شعبه، ماهیت تعهد رسمی را نمی‌فهمند، تمامی شهود حاضر در دیوان باید این تعهد کتبی را به موازات اتیان سوگند خود بپذیرند که تأکیدی است بر الزام به اتیان سوگند و پذیرش تعهد کتبی توسط شاهد در خصوص محتوا و موضوع شهادت خود.

این گونه به نظر می‌رسد که چهره تکلیفی ادای شهادت در برخی نظام‌های دادرسی کیفری داخلی و نزد دیوان کیفری بین‌المللی بر حقوق اولیه فردی و اجتماعی گواه برتری و ارجحیت یافته است. از این رو، او مکلف است بنا بر تشخیص مقام قضایی نسبت به حضور، اتیان سوگند و ادای گواهی نزد مراجع قضایی صلاحیت‌دار اقدام کند. شاید بتوان این الزام را با توجه به این که قانون‌گذار، مستنکف از آن را صرفاً مستحق و محکوم مبلغی جزای نقدی دانسته است، تا حدودی تعدیل و توجیه کرد.^۱

۱. زارعی، عباس، «بررسی تطبیقی تحقیقات مقدماتی در حقوق داخلی و اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۱۹.

نتیجه‌گیری

تحقیق اداری، فرآیندی است که مقامات اداری که از نظر قانونی صلاحیت دارند، آن را در موارد خاصی برای کشف حقیقت انجام می‌دهند. تحقیق اداری زمانی صورت می‌گیرد که اداره یا کارکنانش تخلف اداری انجام داده باشند یا در خدمات‌رسانی عمومی، اختلال و نارسایی رخ داده باشد. یکی از راه‌های دستیابی به حقایق و جمع‌آوری دلایل، استماع شهادت شهود و کسب اطلاع از مطلعین است. چون کشف نارسایی‌ها و تخلفات اداری و سوء مدیریت در اداره عمومی اهمیتی فوق‌العاده دارد، استفاده از شهود و مطلعین برای دریافت اطلاعات اهمیت می‌یابد. با توجه به رابطه نابرابر شهروندان و اداره، نهادهای اداری یا مقامات اداری ممکن است با سوء استفاده از اختیارات و دست برتر خود، از مشارکت شهروندان در فرآیند تحقیقات و بازرسی‌های اداری برای کشف حقایق جلوگیری یا مشارکت‌کنندگان در این امر را تهدید کنند یا آزار بدهند. از این رو، پیش‌بینی حقوق و تضمین‌هایی برای شهود و مطلعین یا دیگر شهروندان با هدف مشارکت در فرآیند تحقیقات و بازرسی‌های اداری که هدف نهایی آن‌ها، کشف سوء مدیریت‌ها در اداره عمومی جامعه است، ضرورت می‌یابد.

در قوانین و مقررات اداری به جز در چند مورد، مقرره خاصی برای حمایت از شهود و مطلعین و دیگر افرادی پیش‌بینی نشده است که قصد مشارکت در فرآیند تحقیقات و بازرسی‌های اداری و ارائه اطلاعات علیه اداره یا مقامات اداری را دارند. با وجود این، در قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه‌های اجرایی آن و اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری، مقرراتی نسبتاً مفصل و مناسب با هدف حمایت از شهود و مطلعین برای مشارکت در تحقیقات پیش‌بینی شده است.

چون هدف تحقیقات اداری و کیفری، کشف حقیقت است، می‌توان از این مقررات در فرآیند تحقیقات اداری نیز استفاده کرد. افزون بر این، در پیش‌گرفتن تدبیرهای حمایتی و پیش‌بینی این حقوق برای شهود در فرآیند تحقیقات اداری اهمیت بیش‌تری دارد؛ زیرا از یک سو، کشف نارسایی‌ها و تخلفات اداری و سوء مدیریت‌ها در اداره عمومی با اهمیت است، به حدی که می‌توان گفت گاهی کشف یک نارسایی اداری یا سوء مدیریت از کشف یک جرم عادی بیش‌تر مهم است؛ زیرا منافع عمومی به خطر می‌افتد. از سوی دیگر، رابطه اداره و شهروندان کاملاً نابرابر است و احتمال این‌که اداره و مقامات اداری به واسطه امتیازات و قدرت لای‌ب‌گری خود، حقوق شهود و مطلعین را تضییع

کنند، بیش‌تر از زمانی است که دو طرف یک پرونده کیفری، دو فرد عادی هستند. بنابراین، مقامات مسئول تحقیقات اداری و نهادهای متولی بازرسی اداری مکلفند با تفسیر موسّع قوانین حمایتی از شهود و مطلعین از جمله مقررات قانون آیین دادرسی کیفری، آن‌ها را نسبت به شهود و مطلعین و دیگر شهروندانی اعمال کنند که به ارائه اطلاعات علیه اداره و مقامات اداری می‌پردازند و در فرآیند تحقیقات اداری مشارکت می‌کنند.

در همین راستا، پیشنهاد می‌شود که در قدم اول، مجلس شورای اسلامی و در مرتبه بعدی، مراجع صالح وضع مقررات با الگوبرداری از تدبیرها و تضمین‌های حمایتی مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری و هم‌چنین اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری، چارچوب قانونی و الزام‌آوری را برای رعایت این حقوق در فرآیند تحقیقات و بازرسی‌های اداری برای شهود و مطلعین و دیگر شهروندانی فراهم کنند که در تحقیقات اداری مشارکت می‌کنند. هم‌چنین انتظار می‌رود مقامات مسئول تحقیق و بازرسی اداری و افزون بر این قضات اداری نیز به این مهم توجه کنند و با احترام و رعایت این حقوق و تضمین‌ها، زمینه مشارکت هر چه بیش‌تر شهروندان در تحقیقات و بازرسی‌های اداری را فراهم آورند.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. انصاری، ولی‌الله، حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)، تهران: میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۸.
۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری (جلد ۲)، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
۳. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۴. پرو، روزه، نهاد‌های قضایی فرانسه، ترجمه: شهرام ابراهیمی و همکاران، تهران: سلسبیل، ۱۳۸۴.
۵. خزایی، منوچهر، فرآیند کیفری، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۶. رستمی، ولی و دیگران، دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران، تهران: گرایش، ۱۳۸۸.
۷. عباسی، بیژن، حقوق اداری تطبیقی، تهران: دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۸. کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات (جلد ۱)، تهران: میزان، چاپ هشتم، ۱۳۹۲.
۹. محسن‌زاده، آریتا، ویژگی‌های رژیم حقوقی حاکم بر ادله اثبات دعوا در دعاوی اداری، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۱۰. نقش دادستان اداری در نظارت بر اداره، حفظ و احیای حقوق عامه، تدوین و تحقیق: مینا اکبری، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، چاپ دوم، ۱۳۹۹.
۱۱. هداوند، مهدی، حقوق اداری تطبیقی (جلد ۱)، تهران: سمت، ۱۳۹۶.

ب) مقاله

۱. ابراهیم‌گل، علی‌رضا، «ابعاد شهادت در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی، شماره ۳۷، ۱۳۸۶.
۲. استوارسنگری، کوروش، «چیستی دادرسی اداری در ایران؛ دادرسی در اداره یا دادرسی بر اداره»،

- فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۹۹.
۳. امامی، محمد و سید نصرالله موسوی، «مبانی نظری مراجع شبه قضایی و جایگاه آن‌ها در حقوق ایران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و یکم، شماره ۲، ۱۳۸۳.
۴. امینی، زهرا و غلام حسین کوشکی، «بررسی تطبیقی حمایت از شهود در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و منشور شهود انگلستان»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ششم، شماره ۲۱، ۱۳۹۶.
۵. پژوهی، پویا و شمس ناتری، محمد، «آثار تأسیس جدید موانع تحقق جرم بر تشریفات اداری - قضایی رسیدگی به جرایم از دیدگاه حقوق اداری»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، شماره ۱۳، ۱۴۰۱، ص ۴۲.
۶. جزایری، عباس و لیلیا سلیمانی، «حق سکوت گواه در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه»، دومین همایش ملی علوم انسانی، ۱۳۹۶.
۷. حبیب‌زاده، توکل و مجتبی جعفری، «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۴، ۱۳۸۵.
۸. خسروی، احمد و ولی رستمی، «الگوی مناسب برای تدوین قانون آیین دادرسی اداری در ایران و ضرورت آن: نظام فرانسوی یا انگلیسی؟»، مجله پژوهش حقوق تطبیقی، دوره هفدهم، شماره ۲، ۱۳۹۲.
۹. زارعی، محمدحسین و آریتا محسن‌زاده، «نظام اثبات دعوا در دادرسی اداری»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۲، ۱۳۹۴.
۱۰. سوادکوهی فر، سام، «تحلیلی از نظام دادرسی بر محور حقوق شهروندی»، مجله دادرسی، شماره ۷۲، ۱۳۸۷.
۱۱. غلام‌پور، مهدی و عباس تدین، «جلب شاهد از منظر حقوق ایران و اسناد بین‌المللی: از هست‌ها تا باید‌ها»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، شماره ۸، ۱۳۹۲.
۱۲. فردوست، غلام‌رضا و همکاران، «دادرسی عادلانه در پرتو اصول اخلاقی در مراجع شبه قضایی»، مجله اخلاق زیستی، دوره یازدهم، شماره ۳۶، ۱۴۰۰.

۱۳. قمری، اسماعیل، اکبر روایی و مسعود قاسمی، «**تحلیلی بر اعمال قاعده مشروعیت تحصیل دلیل در دادرسی اداری**»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال هشتم، شماره ۲۴، ۱۳۹۹.
۱۴. مقدسی، محمدباقر و جواد یزدانی، «**حقوق بزه‌دیدگان، شهود و مطلعان بیمار در فرآیند کیفری ایران**»، نشریه حقوق پزشکی، دوره یازدهم، شماره ۴۲، ۱۳۹۶.
۱۵. نجابت خواه، مرتضی و همکاران، «**آسیب‌شناسی ساختار و صلاحیت‌های مراجع اختصاصی اداری در حقوق اداری ایران**»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۷ و ۷۸، ۱۳۹۶.

ج) پایان‌نامه

۱. پرویزی فرد، آیت‌الله، «**حمایت از شهود در قوانین کیفری و اسناد بین‌المللی**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۲. زارعی، عباس، «**بررسی تطبیقی تحقیقات مقدماتی در حقوق داخلی و اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، ۱۳۸۹.

2. Latin Source

1. University, N. S., Administrative Investigations, North Carolina: NC State University, 2020.
2. Australia, O. W., Guidelines conducting administrative investigations, Sydney: Ombudsman Western Australia, 2009.
3. Security, U. D., Civilian Human Resources, Washington: United States Coast Guard, 2020.
4. Hannibal, M., & Mountford, L., "Criminal litigation Handbook", London: Oxford University Press, 2011.
5. Gautay Gupta, N., Report on Protection of Witnesses, New Dehli: National Law Institute University, 2001.
6. Williams, Katherine S, "Textbook on Criminology", New York, Oxford University Press, 2004,p.256.

Witness rights in administrative investigations; A comparative study of Iranian law and international documents

Seyyed Loghman Hosseini¹, Shahram Zarneshan², Mohammad Hadi Soleimani³

Abstract

Administrative investigations and inspections are among the mechanisms that administrative authorities perform after violations occur, and one of the ways to collect information is to obtain information from witnesses and informants, but they may not be willing to provide information easily or face risks. Therefore, it seems necessary to foresee some rights and guarantees for them.

Due to the lack of protective provisions for witnesses and informants to participate in investigations and administrative inspections, in the Criminal Procedure Law (2013) and international documents, provisions regarding the protection of witnesses and informants to participate in investigations have been provided. On the other hand, in the regulations related to quasi-judicial criminal authorities, the rights of witnesses have been paid sporadically. However, despite the great importance of ensuring the rights of witnesses in the process of administrative investigations, this issue has not been given enough attention in research works. Based on this, in this article, with an analytical and descriptive method and a comparative approach, we aim to identify some of the most important examples of these rights, and provide a legal framework so that these rights can be applied to witnesses, informants and other citizens in the process of administrative proceedings in special quasi-criminal courts. This is significant due to the lack of single administrative procedure law. In the end, considering the legal gap about the rights of witnesses and informants in the process of administrative investigation, we suggested that the legislator, the regulatory authorities and also the administrative judges pay attention to this matter in order to provide a proper legal framework and judicial procedure in this field.

Keywords: administrative investigation, administrative inspection, rights of witnesses, rights of informants, administrative proceedings, international documents, International Criminal Court.

1. Ph.D. Student in International Law, Islamic Azad University, Hamedan branch, Hamedan, Iran. slhosseini1@gmail.com

2. Associate Professor, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). szarneshan@yahoo.com.

3. Assistant Professor, Islamic Azad University, Hamadan branch, Hamadan, Iran. zarneshan@atu.ac.ir soleimani-mohamadhadi1956@gmail.com